

## ضرورت همراهی تلاوت با تدبر از نگاه قرآن و روایات



دکتر علی نصیری<sup>۱</sup>

### چکیده

از توصیه‌های موکد قرآن و روایات، تلاوت قرآن است اما آن چه گاه از آن غفلت می‌شود، همراه ساختن تلاوت با تدبر و تفکر در مفاهیم و مدالیل آیات است. در این مقاله که به دنبال تأکید بر ضرورت همراهی تلاوت با تدبر است، نخست مفهوم تدبر مورد بررسی قرار گرفته و سپس، جایگاه تدبر در منظومه دین مورد توجه قرار گرفته، در مرحله سوم، با استناد به آیات و روایات، جایگاه تفکر و تدبر در قرآن تبیین شده و در مرحله چهارم، فلسفه و ضرورت همراهی تلاوت با تدبر واکاوی شده و سه عامل اساسی برای آن برشمرده شده است که عبارتند از: ۱. قرآن، جلوه گاه تجلی خداوند؛ ۲. تدبر، زمینه‌ای برای اثبات حقانیت قرآن و رسالت نبوی؛ ۳. تدبر در قرآن، زمینه هدایت یابی. دعوت به تدبر و تعمق در آموزه‌های قرآن که می‌تواند با تلاوت به دور از شتاب زدگی همراه باشد، از توصیه‌های این مقاله است.

### واژگان کلیدی: تلاوت، تدبر، تفکر، عقل، ترتیل، هدایت قرآن.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث و دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران.  
نشانی الکترونیکی: Dr. alinasiri@gmail.com

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲

\* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱



## مقدمه

بر اساس آموزه‌ها و توصیه‌های دینی و نیز با توجه به جاذبه شگفت آوری که خداوند در قرآن قرار داده، تلاوت این کتاب آسمانی در دستور برنامه‌های روزانه بسیاری از مسلمانان و مومنان قرار دارد. این تلاوت در برخی از ماه‌ها و مناسبت‌ها به اوج خود می‌رسد، نظیر ماه مبارک رمضان که در روایات از آن به ماه بهار قرآن یاد شده (صدوق، ۱۰۳) و ایام حج که شور عبادت و بندگی در میان مسلمانان فزونی می‌یابد.

آن چه در این بین، گاه مورد غفلت قرار می‌گیرد، تلاوتی است که از روی شتاب زدگی و با هدف پایان دهی و ختم قرآن می‌باشد که طبیعتاً فاقد هرگونه درنگ، تأمل و تدبر در مفاهیم و مدالیل آیات است.

پیداست که این نوع از تلاوت بر اساس عوامل مختلفی رواج پیدا می‌کند که تلاوت با انگیزه پاداش خواهی صرف، فقدان تفسیری کوتاه و نغز از آیات، صعوبت برخی از ترجمه‌ها و در پاره‌ای از موارد، بی بهره بودن از نعمت ژرف اندیشی در همه امور، از جمله عوامل آن است که باید در جایی دیگر درباره آن‌ها گفت و گو شود.

اما آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، تبیین ضرورت همراهی تلاوت با تدبر است. بدین منظور، نخست، مفهوم تدبر واکاوی شده و سپس جایگاه عقل و تفکر در منظومه دین مورد توجه قرار گرفته و آن گاه تدبر در قرآن از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته است. آخرین مبحث مقاله، بررسی فلسفه و چرایی ضرورت همراهی تدبر با تلاوت است.

## مفهوم شناسی تدبر

تدبر به معنای تفکر، دور اندیشی، عاقبت اندیشی، درنگریستن در جوانب کار آمده است. ریشه این واژه از «دَبَر» به معنای پشت در برابر پیش یعنی معادل «قَبْل» است و از آنجا که پشت، کنایه از عاقبت و فرجام هر کاری است، ساختار مصدری و فعلی این واژه به معنای درنگریستن در فرجام و عاقبت هر کار به کار رفته است. از سویی دیگر، درنگریستن در عاقبت هر کار با تفکر، تأمل و تعقل همراه است. از این جهت تدبر به معنای تفکر معنا شده است. به عنوان مثال، جوهری در معنای تدبیر که از ریشه «دبر» است، چنین آورده است: «التدبیر فی الامر: أن تنظر إلی ما یؤول إلیه عاقبته والتدبیر: التفکر فیه.» (جوهری، ۶۵۵/۲) چنان که پیداست جوهری نخست تدبیر را به معنای درنگریستن در عاقبت کار دانسته و



سپس می‌گوید که تدبیر همان تفکر است. بر این اساس، ابن منظور تدبیر و تدبیر را به یک معنا دانسته و در تبیین آن‌ها چنین آورده است:

«دبر الأمر وتدبره: نظر فی عاقبتہ.. و عرف الأمر تدبراً أى بأخره.. و التدبیر فی الأمر: أن تنظر إلى ما تؤول إليه عاقبتہ والتدبر: التفكير فيه وفلان ما یدری قبال الأمر من دباره أى أوله من آخره... والتدبیر: أن یتدبر الرجل أمره ویدبره أى ینظر فی عواقبه.» (ابن منظور، ۲۷۳/۴)

زبیدی تدبیر را به تفکر و تفهیم معنا کرده است:

«قوله تعالى: (أفلا یتدبرون القرآن) أى أفلا یتفكرون فیعتبروا، فالتدبر هو التفكير والتفهم.» (زبیدی، ۳۹۰/۶)

و طریحی، تدبیر را به معنای در نگریستن در پشت سر کارها یا همان فرجام امور دانسته است: «هو النظر فی إدبار الأمور وتأملها»

او در تفسیر آیه «یتدبرون القرآن» چنین آورده است:

«أى یتأملون معانیه من التدبر وهو النظر فی إدبار الأمور وتأملها»

شیخ طوسی نیز تدبیر را به معنای تفکر دانسته (التبیان، ۳۰۳/۹) و در تفسیر آیه «أفلا یتدبرون القرآن أم علی قلوب أقیالها» چنین آورده است:

«معناه أفلا یتدبرون القرآن بأن یتفکروا فیہ و یعتبروا به أم علی قلوبهم قفل یمنعهم من ذلك تنبیها لهم علی أن الامر بخلافه و لیس علیها ما یمنع من التدبر والتفکر والتدبر فی النظر فی موجب الامر وعاقبتہ.» (همان، ۳۰۳/۹)

طبرسی نیز به پیروی از شیخ طوسی تدبیر را به تفکر و عبرت آموزی معنا کرده است (طبرسی، ۱۷۴/۹)

چنان که پیداست واژه شناسان و مفسران در معنای تدبیر و تدبر، با تکیه به معنای ریشه آن‌ها، عاقبت اندیشی و فرجام‌نگری را که البته همراه با تفکر و تأمل خواهد بود، گنجانده‌اند.

### جایگاه تدبیر در آموزه‌های دینی

قرآن، بارها از جایگاه عقل با واژه‌هایی همچون تعقل، تدبیر، تفکر و لبّ با ستایش فراوان یاد کرده و از مردم خواسته تا درباره امور مختلف به تفکر و تعمق بپردازند.

از این رو، بارها گروه‌های مختلف مردم در آیات که عقل خود را به کار می‌بندند، مورد نکوهش قرار گرفته و قرآن، کسانی را که عقل خود را به کار نمی‌بندند، بسان چهار پایان



و بلکه گمراه‌تر از آن‌ها معرفی کرده است. آن‌جا که می‌فرماید:  
 «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛ و در حقیقت، بسیاری از جتیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت می‌کنند و چشمانی دارند که با آن‌ها می‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها می‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. آری، آن‌ها همان غافل ماندگانند.» (اعراف، ۱۷۹)

قرآن، افزون بر نگاه ستایش‌آمیز نسبت به عقل، بارها در عرصه‌های مختلف از عقل و براهین عقلی بهره گرفته و همواره از مخالفان و معاندان خواسته است تا براهین خود را عرضه نمایند. به عنوان مثال، در سوره لقمان، نخست، برخی از آیات و نشانه‌های خداوند را برمی‌شمارد و سپس چنین آورده است:

«هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ این، خلق خداست. [اینک] به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده‌اند؟ [هیچ!] بلکه ستمگران در گمراهی آشکارند.» (لقمان، ۱۱)

با نگرستن در آیاتی که به باره کارکرد عقل پرداخته، معلوم می‌شود که عقل از نگاه قرآن در آموزه‌های عقیدتی، اخلاقی و عموم آموزه‌های فقهی و در یک کلمه در همه عرصه‌های دینی دارای کارکرد و کارایی است، هر چند ممکن است این کارایی یکسان نباشد.

کارکرد عقل در حوزه عقاید را می‌توان از استدلال قرآن بر اثبات صانع از برهان امکان و برهان نظم نمونه آورد. چنان که قرآن برای اثبات معاد از براهین امکان همچون قدرت نامتناهی الهی و براهین ضرورت وجود معاد همچون برهان حکمت و عدالت استفاده کرده است.

در آموزه‌های اخلاقی، قرآن بارها عقل را به عنوان حکم و داور نهایی به رسمیت شناخته است. تحلیل‌هایی که پس از این نوع دستورها در قرآن آمده ناظر به همین نکته است. برشمردن این علت‌ها یا حکمت‌ها در حقیقت به معنای به قضاوت خواستن عقل برای داوری در مطلوب بودن فرمان به آن‌ها از سوی خداوند است.

عموم آموزه‌های فقهی نیز چنین است که قرآن به بیان حکمت آن‌ها پرداخته و عقل را از این جهت به داوری فراخوانده است. به عنوان مثال، پس از بیان تشریح روزه و برخی از احکام آن چنین آورده است: «وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۸۴) پیداست

آن که خیر بودن روزه را مورد تایید قرار می‌دهد، عقل است و خداوند در این آیه عقل آدمیان را برای داوری در باره خوب و مفید بودن روزه به داوری فراخوانده است. شاهد مدعا آن که در پایان آیه از علم و دانایی آدمیان سخن به میان آورده است.

روایات نیز در تبیین جایگاه و کارکرد عقل در عرصه‌های مختلف دین شناخت با قرآن همصدا هستند. بهترین گواه این مدعا، روایات فراوانی است که در جوامع روایی شیعه و تا حدودی در جوامع حدیثی اهل سنت در ستایش و تمجید از عقل آمده است.

به عنوان نمونه، ثقه الاسلام کلینی در نخستین بخش از کتاب کافی که مهم‌ترین و معتبرترین جامع حدیثی شیعه شناخته می‌شود، با گشودن فصلی با عنوان «کتاب العقل و الجهل» روایات بسیار مهمی در باره جایگاه و کارکرد عقل منعکس ساخته است.

در نخستین روایت از این فصل از عقل به عنوان برترین آفریده الهی و مدار تکالیف و کیفر و پاداش یاد شده است. در این روایت از زبان امام باقر (ع) چنین آمده است:

«لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له: أقبل فأقبل ثم قال له: أدبر فأدبر ثم قال: وعزتي وجلالی ما خلقت خلقاً هو أحب إلي منك ولا أكملتك إلا فيمن أحب، أما إني إياك أمر، وإياك أنهي وإياك أعاقب، وإياك أئيب؛ هنگامی که خداوند عقل را آفرید آن را به نطق آورد. سپس به او فرمود: پیش آی و عقل پیش آمد. آن گاه به او فرمود: پس رو و او پس رفت. آن گاه فرمود: به عزت و جلال خود سوگند که هیچ آفریده‌ای را نیافریدم که نزد من محبوب تر از تو باشد و تو را در هیچ کس کامل نکردم مگر کسی که دوستش دارم. بدان! من تنها تو را فرمان می‌دهم و تنها از تو نهی می‌کنم و تنها تو را کیفر می‌دهم و تنها تو را پاداش می‌دهم.» (کلینی، ۱۰/۱ نیزر. ک: مجلسی، ۹۶/۱)

کلینی در این فصل در روایت دوازدهم گفتار نسبتاً مفصلی از امام کاظم (ع) خطاب به هشام بن حکم نقل کرده که در آن جایگاه بلند عقل از نگاه ائمه به خوبی به تصویر می‌کشد. (کلینی، ۱۳-۱۲/۱)

امام در آغاز این حدیث در تمجید از عقل چنین فرموده است:

«يا هشام إن الله تبارك وتعالى بشر أهل العقل والفهم في كتابه فقال: فيشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه أولئك الذين هداهم الله وأولئك هم أولو الألباب.» (همان، ۱۷)

در بخشی دیگر از این روایت در ستایش عقل چنین آمده است:

«يا هشام إن لله على الناس حجتين: حجة ظاهرة وحجة باطنة، فأما الظاهرة فالرسول و



الأنبياء و الأئمة و أما الباطنة فالعقول؛ ای هشام! خداوند بر مردم دو حجت دارد: حجت ظاهر و حجت پنهان، حجت ظاهر خداوند رسولان، پیامبران و ائمه‌اند و حجت باطنی خداوند عقول‌اند.» (همان، ۱۶)

از این‌که در این روایت از عقل به عنوان «حجت باطنی» خداوند تعبیر شده، می‌توان برداشت کرد که عقل از درون بسان وحی می‌تواند به حقایق راه یابد و از آن‌جا که حقایق تناقض بردار نیستند، هرگز میان دستاوردهای وحی و عقل تناقض و تضاد راه نخواهد یافت.

### تدبر در قرآن از نگاه قرآن

دعوت به تدبر و تفکر در قرآن به چهار صورت در آیات این کتاب آسمانی مورد تاکید قرار گرفته است که عبارتند از: ۱. تاکید بر نزول قرآن به هدف تدبر؛ ۲. تاکید بر تسهیل و تفصیل قرآن برای تفکر؛ ۳. دعوت به تفکر در قرآن؛ ۴. تمجید از اهل تدبر در قرآن. اینک به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۱. تاکید بر نزول قرآن با هدف تدبر

در شماری از آیات بر این نکته تاکید شده که قرآن برای آن نازل شده که مردم در آن تفکر و تدبر کنند. این امر در دو آیه ذیل مورد تاکید قرار گرفته است:

۱. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل، ۳۴) چنان که پیداست در این آیه، هدف از نزول قرآن که می‌بایست توسط رسول اکرم (ص) تبیین شود، تفکر مردم دانسته شده است.

۲. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص، ۲۹) در این آیه نیز هدف از نزول قرآن به عنوان کتابی مبارک، تدبر مخاطبان در آن معرفی شده است.

#### ۲. تاکید بر تسهیل و تفصیل قرآن برای تفکر

در برخی از آیات، این نکته مورد تاکید قرار گرفته که خداوند قرآن را برای تذکر و تفکر مردم تسهیل و تبیین کرده است. چنان که در سوره مبارکه قمر به صورت مکرر فرموده: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر، ۴۰، ۳۲، ۱۷، ۲۲) پیداست تسهیل قرآن برای پندگیری مردم متوقف بر تفکر و تعمق در قرآن است.



و در سوره مبارکه مریم فرمود: «فَإِنَّمَا يَسْرُنَاَ بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا» (مریم، ۹۷) به استناد این آیه خداوند قرآن را برای تبشیر و انداز مردم به زبان پیامبر (ص) آسان کرد. آیا بدون تفکر و تدبیر آسان سازی آن معنا دارد؟!

قرآن، پیوسته بر این نکته پای می‌فشارد که خداوند آیات آن را برای کسانی که اهل علم، تعقل و تفکر هستند تفصیل و تبیین کرده است. این امر در آیات ذیل منعکس شده است:

۱. «كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف، ۳۲) در سوره توبه نیز نظیر این تعبیر آمده است، آنجا که می‌فرماید: «ونفصل الايات لقوم يعلمون» (توبه، ۱۱)

۲. «كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (یونس، ۲۴)

۳. «كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم، ۲۸)

در آیه دیگر، ضمن تاکید مجدد بر تفصیل قرآن، آن به عنوان وسیله‌ای برای بازگشت مردم دانسته شده است: «وَكَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (اعراف، ۱۷۴) چنان که در جایی دیگر تفصیل قرآن به عنوان وسیله‌ای برای آشکار شدن راه برای گمراهان اعلام شده است: «وَكَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَ لِنَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ» (انعام، ۵۵)

در سوره مبارکه اعراف، یادکرد داستان گذشتگان که در قالب آیات قرآنی انجام می‌گیرد، به هدف تفکر مردم معرفی شده است: «فَاقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف، ۱۷۶)

در سوره مبارکه حشر کاربرد امثال در قرآن نیز به هدف تفکر و تدبیر مردم دانسته شده است، آن جا که می‌فرماید: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر، ۲۱)

چنان که پیداست در تمام این آیات این نکته مورد تاکید قرار گرفته که خداوند برای تعقل و تفکر مردم، قرآن و آیات آن را فراتر از صعوبت و پیچیدگی یا اجمال و ابهام در اختیار آنان قرار داده است و برای هدف تعقل مخاطبان از روش‌های مختلف همچون کاربست امثال و بیان قصه‌های گذشتگان بهره جسته است.

### ۳. دعوت به تفکر در قرآن

دعوت به تفکر در قرآن به دو صورت کلی در آیات مورد تاکید قرار گرفته است:

#### ۳-۱. دعوت به تفکر به صورت مطلق

دعوت به تفکر به صورت مطلق در سه آیه ذیل به صورت صریح انعکاس یافته است:



۱. «أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء، ۸۲) این آیه به اذعان مفسران و صاحب نظران علوم قرآنی تنها آیه‌ای است که در آن از یکی از وجوه اعجاز قرآن یعنی عدم راهیافت اختلاف و تناقض در قرآن سخن به میان آمده است. بر اساس این آیه که مبتنی بر قیاس استثنایی شکل گرفته، استناد قرآن به غیر خداوند مستلزم راهیافت اختلاف و تناقض در آن است و چون چنین تناقض و اختلافی در قرآن وجود ندارد، پس باید آن را سخن خداوند دانست.

چنان که پیداست در این آیه با تکیه بر تدبر و تفکر در قرآن، آسمانی بودن آن مورد تاکید قرار گرفته است.

۲. «أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴) در این آیه، خداوند از مردم به خاطر عدم تدبر و تفکر در قرآن گله کرده و آن را به منزله قفلی دانسته که بر دل‌ها زده شده است. به عبارت روشن‌تر، قرآن در این آیه نکته را مورد تایید قرار داده که اگر دل‌ها در حجاب عصبیت، عناد و گناه فرو نرفته باشند، در قرآن تدبر خواهند کرد و از این رهگذر به حقانیت رسالت و آموزه‌های آن پی خواهند برد.

۳. «أَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ» (مومنون، ۶۸) مراد از قول در این آیه، قرآن است و در این آیه نیز از مردم خواسته شده تا در قرآن به تدبر و تفکر بپردازند.

### ۳-۲. دعوت به تفکر به هنگام تلاوت یا استماع قرآن

در شماری از آیات، از مخاطبان قرآن خواسته شده تا به هنگام تلاوت یا شنیدن تلاوت آیات، در آن‌ها تفکر و تدبر کنند. صریح‌ترین آیه در این زمینه آیه ذیل است: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (اعراف، ۲۰۴) بر اساس این آیه خداوند از مومنان خواسته تا به هنگام تلاوت قرآن به آیات آن گوش فرا داده و خاموش باشند. واژه «استماع» بر اساس قاعده «زیادة المبانی تدل علی زیادة المعانی» به معنایی فراتر از «سماع» و شنیدن متعارف دلالت دارد و به معنای شنیدن به همراه تامل و تفکر است. در سوره مبارکه مزمل خطاب به پیامبر اکرم (ص) که البته خطاب به همه مسلمانان است، با تاکید خواسته شده تا قرآن را با ترتیل تلاوت کند: «وَرَتَّلْ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» (مزمل، ۴) ترتیل آن گونه که در متن روایات آمده به معنای تلاوت همراه با تانی و تفکر در آیات است. عبد الله بن سلیمان از معنای این آیه از امام صادق (ع) پرسید و امام در پاسخ او فرمود: «قرآن را به آشکارا آشکار ساز و آن را به مثابه خواندن شعر، سریع‌نخوان و به مثابه





پراکندن ماسه، از هم نپراکن و دل‌های قساوت گرفته خود را به یمن قرآن بیم دهید و دغدغه شما به پایان رساندن سوره نباشد» (کلینی، ۶۱۴/۲)

ملا صالح مازندرانی ترتیل را چنین معنا کرده است: «أن الترتیل أداء الحروف عن مخارجها وإظهارها متمیزة بحیث یقرع السمع ویمكن عدها.» (مازندرانی، ۴۴/۱)

او آن گاه چنین آورده است:

«و اعلم أنه لا خلاف بین العلماء فی أن الهدا المفضی إلى لف الكلمات و عدم إقامة الحروف لا یجوز لأنه لحن و أما بعد إقامتها فالأفضل عند علمائنا و عند أكثر العامة الترسیل و الترتیل لأنه من تحسین القراءة المأمور به فی الآیة و لأنه المستفیض من كلام أهل البيت - علیهم السلام - و لأنه مظنة التدبیر و الوقوف علی حدوده.» (همان)

چنان که پیداست ملاصالح به درستی به این نکته پی برده که دعوت خداوند برای تلاوت ترتیلی قرآن، زمینه سازی برای تفکر و تعمق در مدالیل آیات آن است.

او در توضیح فقره «ولکن افزعوا قلوبکم القاسیة» چنین می گوید:

«الإفزع الإخافة یعنی أخیفوا قلوبکم القاسیة الغلیظة الغافلة بالتدبیر فیهِ و التفکر فی أوامره و نواهیهِ و زواجره و وعده و وعیدهِ و ما نطق به من إهلاك الأمم الماضیة بالمخالفة، و من البین أن ذلك لا یحصل بدون الترتیل.» (همان)

بنا بر این، در این جهت نمی توان تردید کرد که دعوت خداوند از تلاوت همراه با ترتیل در قرآن، تلاوت همراه با تدبیر و تفکر در آیات است. چنان که شهید ثانی در این باره می نویسد:

«لان الترتیل یمكن الانسان من تدبیر الباطن. ترتیل زمینه را برای تدبیر در باطن آیات فراهم می سازد.» (شهید ثانی، ۱۳۷)

باری، استماع همراه با تدبیر و تفکر برای برخی از مخاطبان زمینه ایمان را فراهم می آورد، چنان که قرآن خود گزارش می کند که شماری از جنیان با شنیدن همراه با تفکر در آیات، اسلام آوردند. آن جا که در سوره جن به تفصیل در این باره سخن گفته است:

«وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَوْأ إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يَجْزِكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ.» (احقاف، ۲۹-۳۱)

چنان که پیداست در آیه نخست، استماع همراه با انصات اجته در برابر تلاوت رسول اکرم (ص) آمده که تاکید می کند بر آیه ۲۰۴ سوره اعراف که در آن بر استماع همراه با انصات



به هنگام تلاوت قرآن مورد توجه قرار گرفت.

در ادامه آیات آمده که جتیان در پی استماع تلاوت قرآن، چنان تحت تاثیر قرار گرفتند که به سراغ قوم خود رفته و ضمن ستایش از قرآن و تبیین جایگاه آن در برابر سایر کتب آسمانی، آنان را به اسلام دعوت کردند.

#### ۴. تمجید از اهل تدبر در قرآن

در برخی از آیات، کسانی که اهل تدبر و تفکر در قرآن اند مورد تمجید و ستایش قرار گرفته‌اند. این امر به صورت‌های مختلف در آیات آمده است:

۱. در برخی از آیات آمده که چشم مومنان به هنگام شنیدن آیات قرآن لبریز از اشک می‌شود:

«وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (مائده، ۸۳) و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم، پس ما را در زمره گواهان بنویس.

مفسران، این آیه را ناظر به عالمان مسیحی حبشه می‌دانند که وقتی جعفر بن ابی طالب آیات نخستین سوره مبارکه مریم را برای آنان خواند، چشمانشان لبریز از اشک شد و بر گونه آنان جاری شد. (مجمع البیان، ۴۰۲/۳) به رغم آن که شأن نزول این آیه، عالمان مسیحی است، اما آیه در مقام ستایش از مومنان پاکدلی است که با شنیدن آیات قرآن توفانی در جانشان پدید می‌آید.

پیداست پدید آمدن چنین حالتی که با رستاخیز درونی همراه است، در سایه تفکر و فهم پیام‌های آیات میسر می‌گردد.

۲. در برخی از آیات بر این نکته تاکید شده که مومنان با شنیدن آیات قرآن، به خاک می‌افتند و زبان به ثنا و ستایش الهی می‌کشایند:

در سوره فرقان به خاک افتادن مومنان از روی هوشیاری و آگاهی اعلام شده است: «وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا» (فرقان، ۷۳)

و در سوره سجده بر خاک افتادن مومنان و عدم استکبار آنان در پی برخورد با آیات قرآن، علامت ایمان آنان دانسته شده است:

«إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»

(سجده، ۱۵)

۳. در برخی از آیات آمده است که مومنان با شنیدن آیات قرآن، بر ایمان آنان افزوده می‌گردد: «وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال، ۲)  
در سوره زمر از لرزیدن و نرم شدن پوست و آرام شدن دل مومنان با شنیدن آیات قرآن سخن به میان آمده است:

«كُنَّا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» (زمر، ۲۳)

توصیف ستایش‌آمیز مومنان به تحولات روحی به هنگام برخورد و شنیدن آیات قرآن همچون جاری شدن اشک از گونه، به خاک افتادن، لرزش بدن و افزایش ایمان به خداوند همگی حکایت از آن دارد که آنان از کنار قرآن با تلاوت یا شنیدن صرف و بدون تامل و تفکر نمی‌گذرند، بلکه فراتر از توجه و التفات متعارف، با تمام وجود و جان خود به سخن خداوند توجه می‌کنند و تحت تاثیر آن قرار می‌گیرند.

در کنار آیات پیش گفته، باید از آیه دیگر یاد کنیم که در آن با رساترین و صریح‌ترین تعبیر بر تلاوت بایسته و شایسته قرآن یعنی «حق تلاوت» تاکید شده است، آن‌جا که می‌فرماید:

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ». «کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم، [و] آن را چنانکه باید می‌خوانند، ایشانند که بدان ایمان دارند. و [و] کسانی که بدان کفر ورزند، همانانند که زیانکارانند». (بقره، ۱۲۱)

در روایتی از امام صادق (ع) حق تلاوت به درنگ در آیات مربوط به بهشت و جهنم تفسیر شده که می‌تواند به مرتبه‌ای از مراتب حق تلاوت ناظر باشد، باری، تعبیر «حق» در قرآن در مواردی دیگر همچون تقوا (آل عمران، ۱۰۲) و خداشناسی (انعام، ۹۱) به کار رفته و مراد از آن مرتبه شایسته و بلکه بالاترین مرتبه، تقوا و خداشناسی است.

### دعوت به تدبر در قرآن در روایات

در روایاتی که سیره قولی و عملی پیشوایان دینی را در زمینه چگونگی تعامل آنان با قرآن برای ما گزارش کرده اند یا در آن‌ها توصیه شده که باید چگونه با قرآن تعامل کرد، پیوسته بر ضرورت همراهی تلاوت قرآن با تدبر و تفکر تاکید شده است. برای روشن شدن مدعا

مناسب است برخی از این دست روایات را مورد بررسی قرار دهیم.

### ۱. تاکید بر بی فایده بودن تلاوت بدون تفکر

در برخی از روایات از زبان پیامبر و حضرت امیر (ع) آمده که تلاوت بدون تفکر، فاقد هر گونه خیر و فایده‌ای است. در روایت نبوی عبادت بدون فکر و تلاوت بدون تدبر، بی ارزش اعلام شده است آن‌جا که فرمود: «لا خیر فی عبادة لا فکر فیها و لا فی قراءة لا تدبر فیها» (ابن ابی جمهور احسانی، ۱۱۳/۴-۱۱۲)

در روایت حضرت امیر (ع) نیز همین نکته مورد تاکید قرار گرفته است، آن‌جا که امام فرمود: «ألا لا خیر فی قراءة لا تدبر فیها، ألا لاخیر فی عبادة لا فقه فیها» (همان) بر همین اساس، در دعاهایی که از اهل بیت (ع) به عنوان آغاز یا ختم قرآن رسیده، هم چنان بر این خواسته تاکید شده که تلاوت همراه با تفکر باشد. به عنوان نمونه از امام صادق (ع) نقل شده که هر گاه مصحف را می‌گشود دعایی را می‌خواند که در بخشی از آن چنین آمده است:

«اللهم إني نشرت عهدك وكتابك، اللهم فاجعل نظري فيه عبادة و قراءتي تفكرا و فكري اعتبارا و اجعلني ممن اتعظ ببيان مواضعك فيه و اجتنب معاصيك و لا تطبع عند قراءتي كتابك على قلبي و لا على سمعي و لا تجعل علي بصرى غشاه و لا تجعل قراءتي قراءة لا تدبر فيها بل اجعلني أتدبر آياته و احكامه أخذا بشرائع دينك و لا تجعل نظري فيه غفلة و لا قراءتي هذرمة» (مجلسی، ۲۰۷/۷۸) درخواست امام صادق (ع) بر اساس آن چه که در این روایت آمده را می‌توان در محورهای ذیل خلاصه کرد:

۱. نگریستن در قرآن عبادت محسوب گردد.

۲. قرائت همراه با تفکر باشد.

۳. تفکر تنها در مرحله تفکر نماند، بلکه با عبرت و پندگیری همراه شود.

۴. تلاوت قرآن زمینه پندگیری از پندهای قرآن و ترک معاصی خداوند باشد.

۵. با مهر شدن گوش، فکر و چشم، از فهم قرآن و بهره‌مندی از نور آن محروم نگردم.

۶. قرائت بدون تدبر نباشد.

۷. در آیات و احکام قرآن تدبر نمایم و به احکام آن عمل کنم.

۸. نظر از روی غفلت و قرائت از روی پوچی نباشد.

چنان که پیداست در همه این درخواست‌ها به طور مکرر به صورت مطابقی یا تضمینی فهم



و تدبیر در آیات قرآن مورد تاکید قرار گرفته است.

اگر بخواهیم این درخواست‌ها را خلاصه کنیم در دو امر قابل ارایه است:

۱. تلاوت قرآن از روی تفکر، تعمق و تدبیر باشد؛

۲. تفکر و تدبیر زمینه و مقدمه عمل و پایبندی به فرامین قرآن را فراهم آورد.

بر همین اساس، اهل بیت (ع) از مردم خواسته‌اند تا قرآن را با شتاب تلاوت نکنند چنان که پیش از این از حضرت امیر (ع) نقل کردیم که ترتیل را به معنای تلاوت همراه با طمأنینه دانستند.

و در روایت دیگر از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «یکره آن یقراً (قل هو الله أحد)

بنفس واحد مکروه است کسی سوره توحید را با یک نفس بخواند.» (کلینی، ۲ / ۶۱۶)

ملا صالح در توضیح این روایت می‌نویسد: «لما فيه من ترک التعظیم والتفکر فیما فيه من

الأسرار الغریبة الإلهیة.» (مازندرانی، ۱۱ / ۵۰)

در روایت دیگر از زبان پیامبر اکرم (ص) چنین آمده است:

«قرؤوا القرآن ما اختلفت علیه قلوبکم ولانت علیه جلودکم فإذا اختلفتم فلستم تقرؤونه.»

(نوری، ۴ / ۲۳۹)

به استناد این روایت رسول اکرم از مومنان می‌خواهد که قرآن را چنان تلاوت کنند که

در اخلاق اجتماعی باعث الفت و محبت میان آنان شود و در اخلاق فردی، باعث نرمی دل

گردد. آن حضرت تاکید می‌کند که اگر تلاوت قرآن باعث وحدت و الفت نشود، نشان از آن

دارد که قرآن تلاوت نشده است.

## ۲. تاکید بر همراهی تلاوت با تدبیر در سیره عملی پیشوایان دینی

در شماری از روایات، سیره عملی پیامبر و اهل بیت (ع) به هنگام تلاوت قرآن به گونه‌ای

ترسیم شده که نشان می‌دهد آنان با تمام جان و دل خود به قرآن روی می‌کردند و گویا

با تلاوت قرآن با خداوند هم سخن می‌شدند. چنان که گاه یک آیه را به طور مکرر تلاوت

می‌کردند. چنان که ابوذر روایت کرده است که پیامبر شبی را پیوسته با تکرار یک آیه

سپری کرد:

«قال أبوذر رضی الله عنه قام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لیلة یردد قوله تعالی ان

نعذبهم فإنهم عبادک و ان تغفر لهم فإنک أنت العزیز الحکیم.» (مجلسی، ۱۶ / ۲۹۳)

و از امام صادق (ع) نقل شده که آیه «ایاک نعبد» را آن چنان تکرار کردم تا آن که آن را از

گوینده آن شنیدم: «وعن أبي عبد الله (ع) ما زلت أردد إياك نعبد حتى سمعتها من قائلها.» (جزایری، ۱۴۹)

در روایت دیگر چنین آمده است:

«قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) لابن مسعود: (اقرأ على) قال: ففتحت سورة النساء فلما بلغت «فكيف إذا جئنا من كل أمة بشهيد وجئنا بك على هؤلاء شهيدا» رأيت عينيه تذرقان من الدمع فقال لي: «حسبك الآن» (مجلسی، ۱۶/۲۹۴)

بر همین اساس، حضرت امیر (ع) در بخشی از خطبه متقین در توصیف چگونگی تلاوت قرآن از سوی پرهیزگاران چنین آورده است:

«أما الليل فصافون أقدامهم تالين لأجزاء القرآن یرتلونه ترتیلا. یحزنون به أنفسمهم و یستثیرون به دواء دائهم. فإذا مروا بآية فيها تشویق رکنوا إليها طمعا و تطلعت نفوسهم إليها شوقا ووطنوا أنها نصب أعینهم و إذا مروا بآية فيها تخويف أصغوا إليها مسامع قلوبهم و ظنوا أن زفير جهنم و شهيقها فی أصول آذانهم فهم حانون علی أوساطهم مفترش» (نهج البلاغه، خطبه متقین).

### فلسفه ضرورت همراهی تلاوت با تدبیر

با نگرسیستن در آیات و روایات پیش گفته که در آن‌ها بر جایگاه و اهمیت همراهی تلاوت قرآن با تدبیر تاکید شده، تا حدودی فلسفه این همراهی تبیین شده است. اما با این حال، برخی از اهم دلایل آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱. قرآن، جلوه گاه تجلی خداوند

در دو روایت از زبان اهل بیت (ع) آمده که خداوند در قرآن برای بندگان خود تجلی کرده، بی آنکه آنان خداوند را ببینند، چنان که حضرت امیر (ع) در باره تجلی خداوند در قرآن چنین فرموده است:

«فتجلی لهم سبحانه فی کتابه من غیر ان یكونوا رأوه. خداوند سبحان بی آنکه مردم او را ببینند، در کتابش تجلی کرده است.» (همان خطبه ۱۴۷)

نیز امام صادق (ع) در این باره فرمود: «لقد تجلی الله لخلقہ فی کلامه و لکنهم لا یبصرون» (مجلسی، ۱۰۷/۷۹)

اگر قرآن، تجلیگاه خداوند است، تلاوت قرآن در حقیقت به معنای رؤیت اسماء و صفات الهی و گشت و گذار در بوستان معرفت حق است. یعنی اگر کسی می خواهد خدا را ببیند می تواند در قرآن نگرد. به همین دلیل در برخی از روایات آمده که نگریستن در قرآن عبادت است.

نیز در برخی از روایات آمده که اگر می خواهید با خدا سخن بگویید، نماز بخوانید و اگر می خواهید خداوند با شما سخن بگوید، قرآن بخوانید.

زیرا خدایی که قرآن به تصویر کشیده، خدایی است مستجمع تمام صفات جلال و جمال که هیچ نقص و عیبی در او راه نداشته و او یگانه، یکتا و بی همتا است. بر همه خلائق، مکان ها و زمان ها محیط و آگاه و در عین حال از تمام شائبه های مکانی و زمانی مبرا است. او حی و قیوم است که هیچ گاه خواب و نیم خوابی در وجود او راه ندارد.

به رغم قدرت و قهاریت هیچگاه با خشم یا بندگان خود سخن نمی گوید و قدرت خود را به رخ آنان نمی کشد. رحمت او بر بندگان چنان سایه افکن است (اعراف، ۱۵۹؛ غافر، ۷) که سرآغاز تمام فصول گفتار خود را در قرآن با عبارت شیرین، روح نواز و امید آفرین «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز کرده است.

دست او همواره برای خیر رسانی گشاده است و قلم او آن گونه که جاهلان می اندیشند در ازل خشک نشده، بلکه پیوسته فعال و پویاست. خدایی که نعمت و فضل او به جهانیان بی شمار و گنج هایش بی پایان است. او چنان از شوائب جسم و جسمانیات مبرا است که نه تنها چشم بی مقدار بلکه اندیشه های دور پرواز به قله فرازمند او راهی ندارند.

## ۲. تدبر، زمینه ای برای اثبات حقانیت قرآن و رسالت نبوی

قرآن، در میان کتب آسمانی مورد ادعای موجود، تنها کتابی است که بدون کم و کاست و بدون راهیافت هیچ دخل و تصرفی در آن، پیام های خداوند را به بشریت می رساند. از این رو، قرآن از یک سو ملحدان و زنادقه را دعوت به پذیرش اسرار متافیزیک و به تعبیر قرآنی دعوت به ایمان به غیب می کند و از سویی دیگر، تمام صاحبان کتب آسمانی را از طریق همآورد طلبی به ایمان به رسالت پیامبر اکرم (ص) فرا می خواند.

چنین دعوتی که مرزهای زمان و مکان را درنوردیده و همه مخاطبان را مورد توجه قرار داده، مبتنی بر اثبات حقانیت و درستی ادعای قرآن است که البته در سایه اثبات اعجاز آن محقق می گردد.

از دیگر سو، اعجاز قرآن و وجوه مختلف آن که ساختار و محتوای قرآن را در بر می‌گیرد و در سایه آیات تحدی خودنمایی می‌کند، تنها با درنگ، تدبر و تعمق در قرآن قابل دستیابی است.

نتیجه آن که حقانیت رسالت پیامبر (ص) در گرو اثبات حقانیت قرآن است و اثبات حقانیت قرآن در گرو اثبات اعجاز آن است و اثبات اعجاز قرآن نیز متوقف بر تفکر و تامل در آن است.

راز آن که در آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء، ۸۲) نخست از مخاطبان قرآن خواسته شده که در آن به تدبر و تعمق پردازند و بلافاصله پس از آن، از همگرایی و عدم راهیافت تناقض و اختلاف در قرآن، برای اثبات حقانیت آن شاهد آورده شده، همین نکته است. یعنی اگر در قرآن تدبر کنید به حقانیت قرآن و استناد آن به سخن خداوند پی خواهید برد.

باری، چنین تدبر و تفکری در قرآن باعث شد تا شماری از اجته با شنیدن آیاتی از قرآن هدایت یابند و به اسلام بگروند و بلافاصله نقش تبلیغی بازی کرده و سایر همگنان خود را به اسلام و ایمان دعوت کنند، آن جا که خداوند از ماجرای چگونگی ایمان آنان پرده برداری کرده است:

«وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجَنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيَجِزْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ.» (احقاف، ۳۱-۲۹)

### ۳. تدبر در قرآن، زمینه هدایت یابی

در تمام آیاتی که درباره هدف نزول قرآن یا هدف رسالت پیامبر اکرم (ص) سخن به میان آمده است به این نکته تصریح شده که هدف از نزول این کتاب هدایت آدمیان است. به عنوان نمونه در سوره مبارکه ابراهیم چنین آمده است:

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ.» «کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارش از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری. به سوی راه آن شکست‌ناپذیر ستوده.» (ابراهیم،



و در سوره بقره در تبیین جایگاه ماه رمضان به عنوان ماه نزول قرآن چنین آمده است: «شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْقُرْآنِ». ما رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است. [کتابی] که مردم را راهبرو [متضمن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است. در تمام این آیات مخاطب نزول قرآن، انسان‌ها و هدف از نزول قرآن، هدایت و تعالی این انسان‌ها دانسته شده است.» (بقره، ۱۸۵)

پیداست قرآن زمانی می‌تواند وسیله خروج مردم از تاریکی به نور باشد و زمانی می‌تواند کتاب هدایت مردم تلقی گردد که رویکرد به آن همراه با تدبیر و تفکر باشد. از این جهت قرآن را باید به مثابه نامه‌ای دانست که مولایی برای بنده خود نگاشته و در آن آزادی بنده اش را اعلام کرده است. البته آزادی آن بنده در گرو خواندن آن نامه و در نگریستن در آن است. حال اگر آن بنده نامه مولایش را نخواند یا چنان بدون درنگ و تفکر و صرف لقلقه زبان آن را مطالعه کند، پیداست که از پیام مولای خود مطلع نخواهد شد و هم چنان در بند و رقیّت خواهد ماند.

باری، ما آدمیان اسیر و بنده نفس، شیطان و محبت به دنیا و زخارف آن هستیم و قرآن برای آن آمده تا ما را از این اسارت آزاد کند و این آزادی در گرو درنگریستن متفکرانه در قرآن است.

این امر به زیبایی هر چه تمام تر در گفتار حضرت امیر (ع) منعکس شده است، آن جا که امام فرمود:

«وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَعْشُ وَالْهُدَى الَّذِي لَا يُضِلُّ وَالْمُحَدَّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ فِي هُدًى أَوْ نَقْصَانٍ مِّنْ عَمَى.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۹)

این که امام فرمود مجالست با قرآن بر هدایت انسان افزوده و از ضلالت او می‌کاهد، ناظر به همان نقش هدایت و تربیت قرآن دارد که در سایه همنشینی آدمیان با آن، زمینه نورانیت و آسمانی شدن آنان را فراهم می‌سازد.

نقش همراهی تدبیر با تلاوت در هدایت‌یابی انسان، در برخی از آیاتی که در دعوت به تدبیر در قرآن ارایه کردیم، مورد تاکید قرار گرفت. به عنوان نمونه آن جا که خداوند یکی از اهداف نزول قرآن را تذکر صاحبان لب و مغز دانسته، اشاره به همین نکته است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص، ۱۳۹)

چنان که پیداست در این آیه نخست از تدبر سخن به میان آمده و در مرحله بعد از تذکر و پندگیری صاحبان اندیشه گفت‌وگو شده که حکایت از رابطه تنگاتنگ این دو امر دارد. تاکید بر آسان سازی قرآن برای تذکر آدمیان نیز ناظر به همین امر است آن جا که می‌فرماید: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر، ۴۰، ۳۲، ۱۷، ۲۲)

### خلاصه و نتیجه گیری

از آن چه در این مقاله انعکاس یافته، نتایج ذیل قابل استفاده است:

۱. تدبر به معنای تفکر، دور اندیشی، عاقبت اندیشی، نگرستن در جوانب کار آمده است. ریشه این واژه از «دبر» به معنای پشت است و از آن جا که پشت کنایه از عاقبت و فرجام هر کاری است، ساختار مصدری و فعلی این واژه به معنای درنگریستن در فرجام و عاقبت هر کار به کار رفته است.
۲. قرآن، بارها از جایگاه عقل با واژه‌هایی همچون تعقل، تدبر، تفکر و لبّ با ستایش فراوان یاد کرده و آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و کلیات آموزه‌های فقهی خود را مبتنی بر براهین عقلی ارائه کرده است.
۳. دعوت به تدبر به چهار صورت در قرآن مورد تاکید قرار گرفته است که عبارتند از: ۱. تاکید بر نزول قرآن به هدف تدبر؛ ۲. تاکید بر تسهیل و تفصیل قرآن برای تفکر؛ ۳. دعوت به تفکر در قرآن؛ ۴. تمجید از اهل تدبر در قرآن.
۴. در روایات حدافل به دو صورت تدبر در قرآن مورد تاکید قرار گرفته است که عبارتند از: ۱. تاکید بر بی فایده بودن تلاوت بدون تفکر؛ ۲. تاکید بر همراهی تلاوت با تدبر در سیره عملی پیشوایان دینی.
۵. فلسفه ضرورت همراهی تلاوت قرآن با تدبر عبارتند از: ۱. قرآن، جلوه گاه تجلی خداوند؛ ۲. تدبر، زمینه‌ای برای اثبات حقانیت قرآن و رسالت نبوی؛ ۳. تدبر در قرآن، زمینه هدایت یابی.

## منابع

۱. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، عوالی اللغالی، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۳.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله، الاشارات و التنبيهات، بی جا، بی نا، ۱۳۷۷.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، بی تا.
۴. جزایری، سید نعمه الله، التحفة السنیة فی شرح نخبة المحسنیة، نسخه خطی، بی جا، بی تا.
۵. جوهری اسماعیل بن حماد، الصحاح [تاج اللغة و صحاح العربیة]، تحقیق عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ هـ.
۶. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المكتبة الحیة، بی تا.
۷. سبحانی، جعفر، محاضرات فی الالهیات، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۱.
۸. شهید ثانی، رسائل الشهید الثانی، قم، منشورات مکتبه بصیرتی، بی تا.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، منشورات الرضی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
۱۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، نهاية الحکمة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
۱۲. طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن، مجمع البیان فی علوم القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، بی تا.
۱۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق، سید احمد حسینی، قم، مکتب النشر الثقافة الاسلامیة، ۱۳۶۷.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۱۵. مازندرانی، ملا صالح، شرح اصول الکافی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
۱۷. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۷.

## پی نوشت ها:

- ۱- برای تفصیل بیشتر ر. ک (محاضرات فی الالهیات، ص ۱۸-۱۶)
- ۲- به عنوان نمونه آیه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَا تَرْجَعُونَ» بیانگر برهان حکمت الهی در لزوم تحقق قیامت است.
- ۳- به عنوان نمونه آیه «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (سجده، ۱۸) ناظر به برهان عدالت است.

